

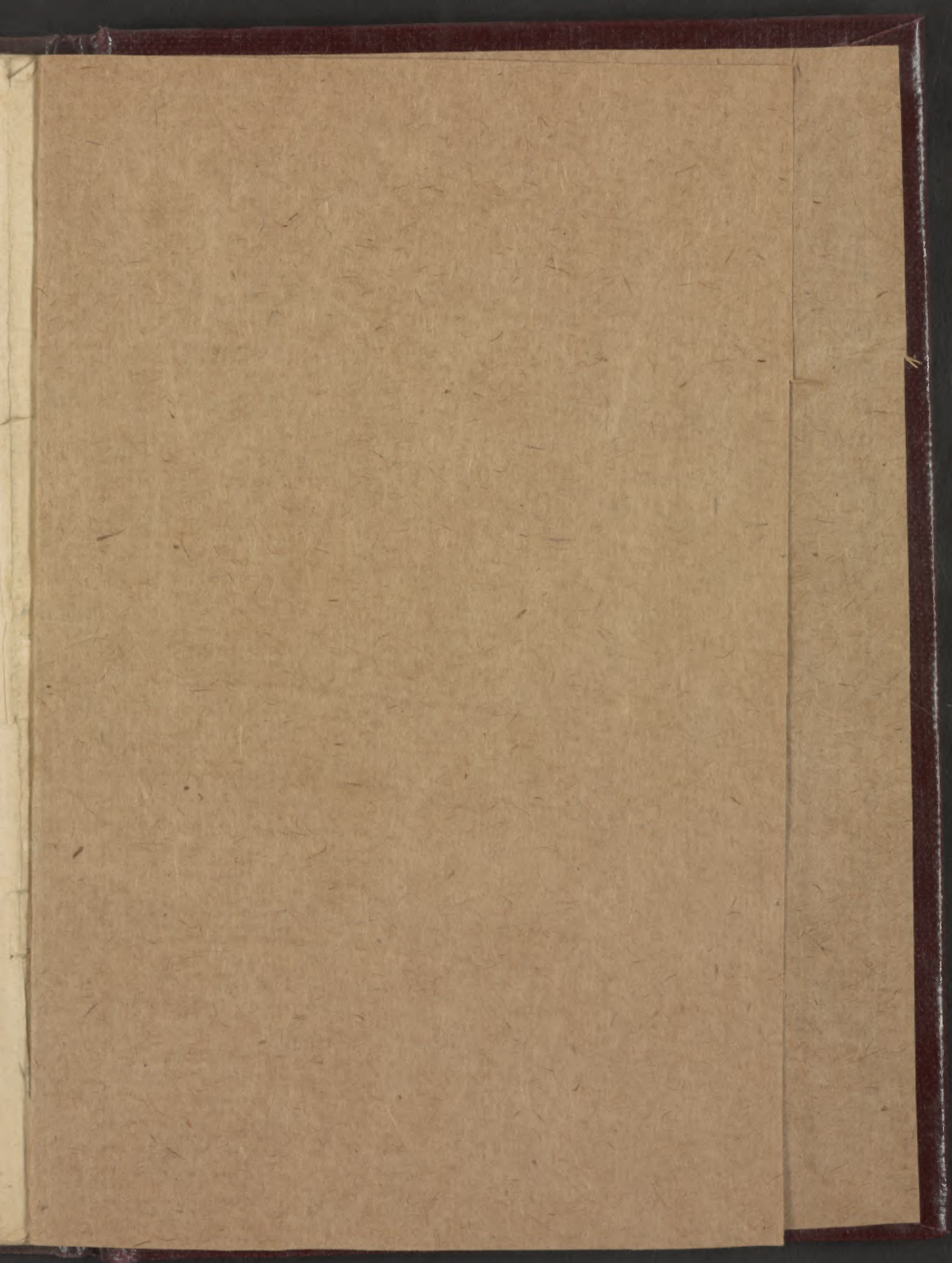
یادداشت یک مسافر



نویسنده

فضل احمد افغان

۱۳۱۴



فضل احمد افغان

یادداشت یک مسافر

دربارهٔ سرگذشت مردم تاجیک ، انقلاب اوکتابر، وجمهوریت تاجیکستان

یک چند سخن از طرف نویسنده

سی سال پیش از این من از مملکت خود از افغانستان
بخاک تورکستان روسی هجرت کردم سالهای دراز در شهرهای
بخارا سمرقند خوقند و حصار شادمان زندگانی کردم.
دراین مدت تبدلات عجیبی در این مملکت روی داد باشندگان
این سرزمین بسیار روزهای تاریخی عبرت انگیز را از سر خود گذرانیدند
اگر با دیدهٔ دقت و عبرت در سرگذشت این مردم نگه کنیم چیزهائی
که آموختن و عبرت گرفتن ممکن است در آن بسیار است.
معلوم است که طرز زندگانی، محیط اجتماعی وطن من حتی ایران
و هندوستان هم با حالت پیش از انقلاب این مردم خیلی
مشابهت و یکرنگی دارد.
معلوم است که گروهی از باشندگان مردم ایران افغانستان
و هندوستان هم در راه آزادی و ترقی وطن خود کار میکنند

راه ها بجویند، در مانع ها و مشکل هایی روبرو میآیند که مردم تورکستان این همه را از سر خود گذرانیده اند، برای این ها آن احوال از سر گذشت تاریخی، خاطره های تاریخی شماریده میشود.

معلوم است که، مردم ایران افغانستان و هندوستان از زندگانی مملکت شورائی آنچه راست وحقیقت ست کمتر شنیده اند هرچه شنیده اند خوانده اند از زبان اهل غرض شنیده اند از قلم اهل غرض خوانده اند.

من لازم دانستم که، برادران هموطن و هم زبان خود را، از حقیقت حال وگذارش زندگانی مردم این مملکت خالصانه آگاهی دهم، آنچه دیده ام واز احوال این مملکت آنچه دانسته ام بازبان ساده وروان بآنها برسانم.

در این رساله سرگذشت مردم جمهوریت شورائی تاجیکستان را خواهم نوشت؛ تصویر نمودن سرگذشت تاجیکان را از آن جهت اختیار نمودم که، این جمهوریت بوطن من نزدیکتر است ا مردم تاجیک باما هم نژاد وهم زبان اند، آشنائی وشناسائی

ما با تاجیکان تاجیکستان چون آشنائی دو برادری است؛
که دیرگاه از یکدیگر دور افتاده، باز یکدیگر را یافته اند
آب اگر صد پاره گردد باز باهم آشناست.

جمهوریت هم زبان ما تاجیکستان با دولت های افغانستان
وخطای همسایه و هم حدود است، کوهستان بدخشان تاجیکستان
با اندک فاصله تا خاک هند میرسد. قسم جنوبی تاجیکستان که
ولایت های حصار شادمان، قبادیان، تورغان تپه، کولاب، و
قراتگین را شامل است، در زمان گذشته حصه های جنوب شرقی
امارت بخارا را تشکیل مینمود

قسم شمالی تاجیکستان عبارت است از ولایت های خجند، اوراتپه
پنجکت، که جزء تورکستان روسی و تابع حکومت امپراطوری روس
بود.

مردم جمهوریت تاجیکستان دوره های حکومت امارت بخارا و
حاکمیت امپراطوری روس را از سر خود گذرانیده اند؛ در این سر
زمین مبارزه های خونین انقلاب و عکس انقلاب دیرگاه دوام نمود،

این مردم در راه انقلاب و آزادیٔ خود مبارزه ها کردند ؛ سختیها کشیدند ، آخر بمظفّریت رسیدند حاکمیت شورای رنجبری خودرا برپا کردند .

رنجبران تاجیکستان درمدت اندک به کامیابی های خیلی بزرگ اقتصادی مدنی وسیاسی رسیدند درمدت پنج سال آخری زندگانی جمهوریت تاجیکستان آنقدر تغیر یافته است که بدون انقلاب این مرحله را به صد سال طی کردن وگذشتن شان ممکن نبود .

برای عبرت وآگاهی خوانندگان دوره های سرگذشت مردم تاجیکستان را بقسم های علیحده تقسیم مینمائیم وهریک را جداگانه بطریق اختصار عرض میکنیم .

اصول حاکمیت امیران بخارا و زندگانی رعیت در آن زمان

از یک میلیون نفوس جمهوریت تاجیکستان قریب شش صد هزار کس در زمان گذشته در زیر حکومت امیران بخارا زندگانی میکردند.

بواسطهٔ حاکم های ولایت ها، قاضی ها، رئیس ها، املاکدارها، میرشب ها، امیر حاکمیت خود را اجرا مینمود؛ و بواسطهٔ این تشکیلات حکومتی، از حاصل رنج وسعی مردم باسم و رسم خراج املاک، زکات وغیره هر چیزی که گرفتن ممکن بود میگرفت، در راه آبادی ترقی اقتصادی و مدنی این سرزمین از آن مداخل، هیچ یک خرجی نمیکرد.

قسم بسیار زمین های کشت مملکت را «املاک»، «مملکه سلطانی» نام نهاده ملک امیر میشماریدند. اگر زمین آبیاری شده باشد پنج یک، اگر کشت للمی با آب باران کشته شده باشد ده یک حاصل را حق خزینهٔ امیر قرار میدادند. اما این قاعدهٔ

پنج یک و ده یک بنام بود، درحقیقت نصف و گاهیش از نصف حاصل دهقان رنجبر را املاکدارها مأمورهای امیر میگرفتند حاصل کشت هر یک دهقان را جداگانه تخمین میکردند هرجا که ده من حاصل است بست من و سی من تخمین میکردند و از روی آن تخمین و قرار ناحق حصهٔ خراج را می طلبیدند و میگرفتند.

بعضاً خراج املاک چند خانوادهٔ دهقان را امیر یا حاکم ولایت به یکی از منصب داران یا ملا یا شیخ می بخشید و حواله مینمود که خود او بی واسطه استفاده نماید نام آن بخشش را «تنخواه» میگفتند صاحب تنخواه هر قدر که میتوانست از حاصل دهقان زیاده تر میگرفت دهقان و عائلهٔ او را چون غلام و کنیز کار میفرمود شکایت و دادخواهی دهقان را کسی نمیپرسید.

در جمع آوری خراج املاک و زکات و دیگر مالیات، غیر از مأمورهای رسمی امیر زمینداران و مال چارپاداران کلان، مردم دولتمند صاحب نفوذ همراهی میکردند هرکس که ناتوان تر است

از او بسیار تر میگرفتند. هرکس که توانا و صاحب اعتبار است از او کمتر میگرفتند.

در نتیجهٔ این اصول مالیات فقر و فاقهٔ عامهٔ رعیت سال از سال زیاده تر و سخت تر میگردید. برای ادا نمودن مالیات طاقت فرسا فروختن زمین ها خانه ها حتی زن و فرزند رعیت فقیر چون یک امر عادی شمار دیده میشد. هیچ کس در این باره تعجب نمیکرد.

از سبب گرانی خراج و تنگی زندگانی بسیار دهقانها مجبور میگردیدند که از دولتمندان شهر و دهه قرض بگیرند تنزیل بسیار دهند. در اثر گرانی خراج و تنزیل دادن بسیار ناچار زمین ها خانه های خود را بصاحب دولتان شهر و دهه میفروختند. با این راه بهترین زمین های مملکت بدست دولتمندان شهر و دهه جمع میگردید و شمار دهقان بی زمین سال از سال میافزود.

قاضیها هیچ یک مرافعه را بدون گرفتن رشوت بآخر نمیرسانیدند میزان حق و عدالت اندازهٔ رشوت بود هرکس که بسیار تر رشوت دهد، حکم بجانب او قرار می یافت.

هرگاه دوکس یکی دولتمند دیگر فقیر یکی صاحب اعتبار دیگر رعیت بی اعتبار در نزد قاضی میآمدند حکم در فائدهٔ دولتمند صاحب اعتبار قرار می یافت عرض و داد فقیر بی اعتبار بجایی نمیرسید.

میرشب ها که گویا کفیل و متصدی امنیت و انتظام مملکت بودند، همه ویرانی و فساد را راهبر بودند.

جوانهای امرد، فاحشه های مشهور دزدهای نامی را چون جزء تشکیلات ادارهٔ خود نگه میداشتند از آنها استفاده میکردند قمارخانه در تحت حمایهٔ میرشب ها بودند.

فاحشه ها و جوانهای امرد را با شهادتنامه های مخصوص در مجلس های عیش و عشرت میفرستادند باندازهٔ حسن و جمال آنها از صاحب بزم مبلغ معینی میگرفتند.

جایهائی که برای ایستادن نائب های میرشب ها تأسیس یافته بود «پای طوق» ها جای با امنیت قمار بازها بود، در «پای طوق» ها شبها و روزها قمار می باختند؛ از بردها بمیرشب حصهٔ معینی میدادند. دزدهای نامی شهرها و دهه ها نیز در حمایت میرشبها بود.

از کار آنها میرشب ها حصه میگرفتند . هرگاه دزد ، خانهٔ را غارت کند صاحب خانه بمیرشب مراجعت نماید ، میرشب از قریبان وخویشاوندان صاحب خانه چندی را بدزدی متهم میکرد ، بحبس میگرفت آخر صاحب خانه مبلغ بسیاری بمیرشب میداد آن بیگناهان را از پنجهٔ میرشب خلاص میکرد ، دزدان حقیقی با آزادی به کار خود دوام مینمودند .

حاکم های ولایتها هرسال یک بار حساب ولایت را بامیر تقدیم میکردند چیزی که وابسته به زندگانی مردم ولایت است از حاکمان ، هیچ نمی پرسیدند .

ترقی خواجه گی دهقانی درستی راه ها تعمیم معارف تندرستی عامه این همه جمله هایی است که در دربار امیر کسی نمی پرسید ؛ کسی نمی شنید . حساب رسمیٔ حاکم های ولایتها تنها از یک مسئله عبارت بود . „ حاکم ولایت ، از درامد سالانه ولایت بامیر چه مبلغ وچه قدر پول آورده است ” .

هر مبلغی که حاکم ولایت تقدیم مینماید ، باید از آن مبلغی که حاکم

سابق چون درامد سالانه ولایت بامیر داده بود بیشتر باشد ،
کمی حاصل . خشک سالی ، بی آب ماندن کشت ها در نظر اعتبار
گرفته نمی شد .

هیچ یک از مامورهای حکومت میر از خزینه رسمی معاش و
ماهیانه نمیگرفتند . هرکدام درامد خود را از رعیت از فقرا
می ستانیدند ، هریک از مامورهای که به منصبی میرسیدند مثلاً
حاکم ها ، املاکدارها ، قاضیها ، رئیس ها ، میرشب ها ، مفتیها بامیر
تحفه ها تقدیم میکردند ؛ هریک باندازهٔ منصب خود بامیر مبلغی میدادند
این همه حکام و مامورین دولت و علماء کرام نوبت بنوبت دخترها ،
پسرهای امرد خود را چون تحفهٔ غلامی بامیر تقدیم مینمودند ، حتی از
تقدیم نمودن زنهای خود نیز ابا نمیکردند .

برای تعیین نمودن حاکم ها ، قاضیها ، مفتیها و دیگر مامورهای دولتی
علم و لیاقت آنها در نظر اعتبار گرفته نمی شد . تقدیم نمودن دختر
و پسرهای صاحب جمال از بزرگترین لیاقت ها محسوب بود . هرکس که
در این کار پیش قدم بود ، منصب و درجهٔ بلندتر را صاحب بود .

بسیاری از علمای دین و مامورین دولت با همین راه به رتبه های بلند میرسیدند.

برای منصب های بلند رسیدن مأموران دولت در بسیار جاییها زنها دختر، پسرهای رعیت را بزور میگرفتند، با میر تقدیم میکردند، نه امیر نه حاکمان ولایت ها در بارهٔ ظلم و بیداد مأموران دولت شکایت رعیت را نمی شنیدند دادخواهان را اغواگر و فسادپیشه شماریده با ضرب دولت از در بار خود میراندند.

علمای دین هم با حکومت داران امیر جز یک بدن بودند. در سایهٔ حمایت امیر موقع اقتصادی علمای دین، نیکو تأمین میگردید. بسیار زمین های زراعت، بازارها، دوکان ها، سرای ها، حمامها ملک اوقاف بود، آنهمه دراامد بعلمای دین میرسید. قسم مهم حاصل زمین های اوقاف را یاری مأموران امیر علمای دین میگرفتند. امیر و مأمورانش بهر راه و وسیله مداخل علما را میافزودند. خیلی منصب های پر درآمد بزمرهٔ علما تخصیص گردیده بود. نه تنها همه نصب و تعیین ها بدست امیر تمرکز یافته بود؛ حتی تعیین کردن

مؤذنها، امامهای محله ها، محسوره خوان های سرقبرها وابسته برضای امیر بود. از علمای دین هریک که رضا و خوشنودی امیر را دریابد منصب پردرامد نصیب او بود. قاضیگی شهر بخارا که سالانه پنج صد هزار روبل طلا درامد داشت، قاضیگی چارجوی و قرشی که هریک صد هزار روبل سالانه درامد داشت. ازجملهٔ منصب هایی بود که بزمرهٔ علما تخصیص گردیده بود علما خودرا شریک دولت وخزینهٔ امیر میدانستند، از درامد امیر بهره مند میگردیدند بنابراین همهٔ کار و فعال امیر و مأموران را موافق شریعت و فرمودهٔ خدا و رسول میگفتند هرکس که

نمونهٔ از وحشانیت های امیر بخارا



یکی از آنهائی که بمقابل استبداد امیر قیام نمودند و جلادان امیر او را بدین حال رسانیدند و از جان شیرینش جدا کردند.

بخلاف امیر و حکومت او چیزی گوید او را بدین و کافر میشماریدند.
حکومت امیر زمرهٔ علما را چون یک تشکیلات منتظم تبلیغات
تشویقات در بین عامهٔ مردم استفاده مینمود.

در آن زمان فاسق ترین مردم علمای دین بودند؛ مدرسه ها جای
شراب خوری، جوان بازی، فاحشه بازی بود. ملابچه های فقیر
و ناتوان که از سبب های حقیقی بمنصب رسیدن بی خبر بودند
و از آن رذالت های درباریان دور بودند، هر قدر که میخواندند
میدانستند بجایی نمیرسیدند و منصبی را صاحب نمیگردیدند.
ناچار خواندن را ترک میکردند.

آخر کار بجایی رسید که اعتبار دانستن و صاحب علم بودن
از میان رفت؛ بسیار مفتی ها، قاضیها، حاکمهای ولایت ها تمام
بی سواد بودند.

در نتیجهٔ این اساس و اصول حکومت داری بدست مأمورهای
دولتی و علمای دین مبلغ های کلان جمع شد. بهترین زمینها،
باغها، سرای ها، دوکانهای مملکت ملک امرا و علما بود، این

دو زمره دولتمند ترین صنف مملکت بودند .

بعد از جنگ آخری در سنهٔ ۱۲۸۵ هجری در بین حکومت امپراطوری روس و امیر مظفر و تابع شدن بخارا بروسیه و رسیدن راه آهن در بخارا کار تجارت بین روسیه و بخارا با زوودی ترقی کرد ، امیر امرأ و علمأ بواسطهٔ تجارها نیز تجارت میکردند . بسیاری از تجارهای بخارا با سرمایهٔ امرأ و علما کار میکردند ، و با آنها قریب بودند .

تسلط روسیهٔ امپراطوری زندگانی رنجبران بخارا را پریشان ترکرد چونکه امیران بخارا بطریق تحفه ، هدیه هرسال بدربار پادشاه روس و مأموران او مبلغ های کلی تقدیم مینمودند ، آنهمه را نیز از رعیت می ستانیدند ، زندگانی رعیت تنگ تر و سخت میگردید .

در آن زمان از علم و مدنیت در بین مردم نام و نشانی نماند ، در تمام امارت بخارا از اهالیٔ مملکت یک نفر دکتور یا مهندس یا عالم علم زراعت یا دانشمند علم حساب یا مؤرخ یافتن ممکن نبود ، مدرسه های مملکت بجز زیاده کردن شمارهٔ علمای بی سواد ، فاسق دیگر خدمتی نمیکردند .

در بارهٔ براه ماندن کارهای تندرستی عامه حکومت امیر هیچ یک اقدامی نمیکرد، خسته گی های میگذشته گی در بین مردم تعمیم مییافت. باشنده گان بسیار دهه بمرض زخم مبتلا یا دیگر دردها دردمند بودند، کودکان مملکت بسبب نبودن طبیب دانشمند و دوا چون مور و ملخ میمردند.

دهه های که سی چهل سال پیش از این صد خانه وار باشنده داشت، در عرفهٔ انقلاب بخارا در سنهٔ ۱۳۳۹ هجری بجای صد خانه وار دارای سی، بیست یا ده خانه وار مردم بود. زندگانی مردم دهقان، کارهای دهقانی سال از سال بخرابی میکشید. جویهایی که پنجاه یا صد سال پیش از این آب روان داشت در کنار آن کشت ها دهه ها موجود بود، خشک و بی آب مانده بود. از کشت ها، دهه ها اثر و نشانی نمانده بود.

رعیت فقرا میدانستند که این همه خرابی و تنگی ها از اثر ظلم حکومت امیر است، اما برای مقابله کردن خود را ضعیف و ناتوان می پنداشتند علمای دین همیشه تبلیغ و تشویق میکردند که اطاعت پادشاه واجب است

ترک امر و فرمانش موجب گنه کاری است .

عامهٔ بی سواد فریفتهٔ سخن های علمای دین بودند . از طرف دیگر راه مبارزه راه نجات را بروی خود بسته میدیدند ، میدانستند که امرا، علما و کسان صاحب نفوذ شهر و دهه بهم پیوسته اند ، همه یکجهت اند . بخلاف این زمره رعیت فقرای فقیر از هد یگر بی خبر بی تشکیلات مانده نمیدانست که چه کار کند ، راز دل خود را بکه گوید ، هرگاه از تنگی و سختی زندگانی مردم یک دهه قدم بشورش گذارند مردم دیگر دهه از انها بی خبر بودند ، با دست و تدبیر مردم صاحب نفوذ و دولتمندان شور و قیام رنجبران ظلم دیده خاموش کرده میشد ، جسور ترین قیام کرده گان را چون گنه کار بدست حکومت می سپاریدند .

مردم میدانستند که هرگاه بحکومت داران امیر غالب آیند حکومت امپراطوری روس امیر را حمایت خواهد کرد بمقابل حکومت امپراطوری قدرت و توانای مقابلت کردن را دارا نیستند تا سنهٔ ۱۹۲۰ میلادی یعنی در سنهٔ ۱۳۳۹ هجری تمام مردم بخارا و باشنده گان قسم جنوبی جمهوریت تاجیکستان امروز بهمین حال زیستند ، در نتیجهٔ انقلاب اوکته بر

وافتادن امیر بخارا باشنده گان این مملکت زندگانی نورا دارا گردیدند .

اصول ادارهٔ حکومت امپراطوری روسیه و زندگانی مردم تورکستان روس در آن زمان

قسمی از مردم تاجیکستان باشنده گان سمت شمالی آن که ولایت های خجند ، اوراتپه ، پنجه کنت را شامل است و مردم شرقی پامیر در زمان گذشته در زیر تابعیت حکومت امپراطوری روسیه بودند و این جایها داخل تورکستان روسی بود .

حکومت امپراطوری بخارا وخیوه را بواسطهٔ امیر بخارا و خان خیوه اداره میکرد بقیهٔ خاک تورکستان را بی واسطه خود اداره مینمود چنانکه اینگونه شکل اداره بواسطه و بیواسطه از طرف دولت انگلیس هنوز در هندوستان معمول است .

حکومت امپراطوری مردم تورکستان را چون ملت غیر روس

بیگانه میشمارید. سیاستی که حکومت امپراطوری در تورکستان تطبیق مینمود عیناً مثل همان سیاستی است که هنوز دولتهای غالب و تسلط یافته در مستملکه های خود درباره ملت های محکومه تطبیق میکنند.

حکومت امپراطوری در راه ترقی و انکشاف اقتصادی و مدنی مردم تورکستان هیچ یک اقدامی نمیکرد. درکشادن مکتبها، مدرسه ها و تعمیم معارف هیچ مددی نمی نمود، بلکه اقداماتی که مردم تورکستان در این راه میگردند، از طرف حکومت دچار مانعها و مشکل ها میگردید.

حکومت امپراطوری تورکستان را چون منبع مال خام می شناخت و از این راه از تورکستان استفاده مینمود، در تاسیس صناعت و کارخانه ها که مال خام مملکت را کار کند قابل استعمال نماید ممانعت میکرد، از این است که در مدت پنجاه سال حاکمیت امپراطوری روسیه کار صناعت در خاک تورکستان ترقی نکرد، کارخانه های بوجود آمده برای باز صاف کردن مال خام خدمت میکرد.

مردم تورکستان در کارهای اداره وطن خود هیچ یک حق و اختیاری نداشتند. همه ماموریت های مهم حربی، سیاسی و ملکی بدست ماموران از روسیه آمده حکومت

امپراطوری بود. از مردم تورکستان قاضیها و نایب پولیس ها تعیین میکردند که
در بین مردم چون جاسوسان حکومت معروف بودند و در این راه خدمت میکردند.
در زمان حاکمیت امپراطوری در خاک تورکستان بعض وسائل ترقی اقتصادی
و مدنی نیز فراهم آمد، اما اصول حاکمیت امپراطوری امکان نمیداد که آن وسیله
ها در راه ترقی مردم تورکستان خصوصاً قسم رنجبران خدمت نماید. در آن زمان
در تورکستان خط های راه آهن کشیده شد، پوسته و تیلگراف تأسیس یافت،
راههای قنا بابیل درست کرده شد، بانکها، تجارت خانه ها تأسیس یافت، شهرهای نو
بنا یافت، محکمه های عدلیه تشکیل گردید. این همه وسائل برای استحکام حاکمیت دولتمندان
خدمت میکرد بواسطهٔ این وسائل «مدنی» مردم تورکستان را بهتر استثمار میکردند، حاصل رنج
و سعی این مردم را با آسانی از دست شان میگرفتند و میبردند. در تورکستان کشت پنبه ترقی
کرد، اما منفعت آن نصیب یک مشت قلیل دولتمندان بود. در نتیجهٔ سیاستی که در آن زمان معمول
بود زمینهای کشت از دست دهقانهای فقیر بدست دولتمندان میگذشت، شمار دهقانان
بی زمین فقیر سال از سال میافزود. حکومت امپراطوری صدها هزار دهقان را از داخل
روسیه به تورکستان کوچانید، زمینهای خوب مردم تورکستان را با زور و ظلم گرفت؛
بمهاجران از روسیه آمده داده، خواست که با این راه از مهاجران برای خود

تکیه گاهی داشته باشد، در تورکستان طرفداران صادق اصول حاکمیت ایمپراطوری بوجود آید.

درنتیجهٔ این سیاستِ حکومت ایمپراطوری احوال مردم تورکستان خصوصاً زندگانی قسم رنجبر این مردم بدتر و خراب تر شد. از ترقی و آبادی مملکت بعامهٔ مردم هیچ نفعی نرسید، بی سوادی و جهالت عامه کم نشد، مکاتب، مدارس و مطبوعات مردم تورکستان ترقی نکرد از سیاست حکومت ایمپراطوری عامهٔ مردم نارضا بودند، آمادهٔ قیام و مبارزه بودند. در سنه ۱۸۹۸ و ۱۹۱۶ میلادی یعنی در سنه های ۱۳۸۵ و ۱۳۳۶ هجری قیام و مقابله هم کردند. حکومت ایمپراطوری با ضرب توپ و تفنگ قیام را خاموش و مردم شورنده را مغلوب کرد.

در تورکستان گروهی بودند که بحکومت ایمپراطوری با صداقت خدمت میکردند و طرفداری میکردند، این گروه قلیل از علمای دین، زمین داران بزرگ و دولتمندان عبارت بودند، حکومت هم بهره‌ور وسیله این گروه را حمایت میکرد.

از سیاست و ادارهٔ حکومت ایمپراطوری نه تنها عامهٔ رنجبر

درزمان حاکمیت امپراطوری روس زندگانی مسلمانان تورکستان



گروهی از مسلمانان تورکستان که بخلاف حکومت امپراطوری در سنهٔ ۱۸۹۸ میلاد علم انقلاب برداشته بودند بدار کشیده شدند.

توركستان نارضا بودند . بلكه اكثر مردم روسيه هم از حكومت خود
نارضا و بحكومت خود دشمن بودند . چونكه حكومت ايمپراطورى در همه
كار و سياست خود منفعت صنف دولتمندان را مقدم ميشمارید و
بسيارى از مأموران بزرگ حكومتى ، خود صاحب زمين بسيار ، كار
خانه ها ، بانك ها و تجارت خانه ها بودند .

صنف رنجبر مملكت ، مردكار كارخانه ها ، فابريك ها و دهقانهاى
فقير باسختى زندگانى ميكردند . از همه حقوقهاى سياسى و مدنى
و اقتصادى محروم بودند

اصول ماليات خراج ، تجارت ، صناعت ، كارهاى زراعت
معارف ، عدليه ، نظميه همه كار مملكت چنان اداره كرده مى شد كه
مردم دولتمند از آنها نيكو استفاده ميكردند . صنف رنجبر رعيت
فقير را از آنها نصيب خيرى نبود . بنابرين از ديرگاه در بين دولتمندان
فقيران روسيه مبارزه صنفى دوام مينمود .

وقتاكه در روسيه صناعت ترقى نكرده بود ، صنف مردكار ، كار
گران كارخانه ها فابريك ها هنوز بوجود نيامده بودند .

یکی از یادگارهای روز سیاهی که مردم ترکستان در زمان حاکمیت امپراطوری روس گذرانیده‌اند



مردم فرغانه با سرهای خمیده خود گنرال امپراطوری روس را سلام میگویند

مبارزهٔ صنفی دربین دولتمندان، زمینداران و دهقانان فقیر دوام میکرد. تأریخ روسیه ازشورش وعصیانهای دهقانهای فقیر پُر است. ازآن جهت که دهقانها صاحب تشکیلات منتظم نبودند همیشه مغلوب میگردیدند.

هشتاد، هفتاد سال پیش ازاین کار صناعت بنا کردن فابریک ها، کارخانه ها در روسیه روبترقی نهاد وعدد مردکارهای کارخانه ها بازودی ترقی کرد، مردکارهای کارخانه دوازده، چارده حتی ۱۶ ساعت کار میکردند، مزدکم میگرفتند، برای گذرانی زندگانی ایشان کفایت نمیکرد، هرگاه کار را ترک کنند بهبودی احوال خودرا طلب نمایند. بازوروظلم حکومت آنهارا بکار کردن مجبور مینمودند حکومت منفعت وخیریت صاحبان کارخانه را همیشه مقدم میشمارید عرض وداد مزدورکارگران رانمی شنید. دشمنی وخصومت کارگرها درحق حکومت روزاز روز میافزود.

تنگی زندگانی ظلم حکومت ودولتمندان صنف کارگررا درراه عصیان وانقلاب انداخت سی چهل سال پیش ازاین مردکارها

تشکیلات های مخفی انقلابی خود را بوجود آوردند . مردکارهایی که
درکارخانه ها کارمیکردند . هزار ده هزار و بیش ازاین دریکجا جمع
بودند . جمعیت های بزرگ تشکیل میکردند . بنابرین بایکدیگر علاقه
کردن ، مشورت کردن تشکیلاتها بوجود آوردن ایشان نسبت
بدهقانها خیلی آسان بود .

با راهبری تشکیلات مردکارها دربین دهقانها هم کارهای تشکیلات
انقلابی خیلی قوت گرفت و انتظام پیداکرد . درنتیجهٔ قوت یافتن
جریان انقلابی کارگرها قریب سی سال پیش ازاین فرقهٔ بالشویک
تشکیل یافت . تأسیس کننده و راهبر این فرقهٔ لینن بود .

ازروز تأسیس خود این فرقه رنجبرها را درکارهای انقلابی راهبری
کرد ، ودرراه مبارزه های صنفی عموم رنجبران باتمام فعالیت کارکرد .
حرکات انقلابی صنف رنجبر سال از سال شدت میکرد . درسال
۱۹۰۵ میلاد بمقابل پادشاه ، بمقابل اصول حکومت داری دولتمندان یک
حرکت انقلابی سخت پیدا شد ، همه مردکاران کارخانه ها ترک کار
کردند ، خواستند که اصول ادارهٔ مملکت را دیگر کنند راه های

آهن ایستاده شده، کارخانه‌ها از کار ماند، حکومت و دولتمندان در اضطراب افتادند در شهرهای بزرگ و در بعض دهه‌ها در بین حکومت و رنجبران جنگهای خونین واقع گردید.

در این مبارزهٔ بزرگ صنف رنجبر مملکت مغلوب گردید، حکومت و دولتمندان بازغالب آمدند، چونکه بسیار ترین دهقانها در این حرکت انقلابی همراهی نکردند، پس مانده‌گی دهقانها اثر کرد. عسکر نیز آمادهٔ انقلاب نبود و در تحت تأثیر حکومت بود، حکومت را مدافعه کرد.

این کشمکش و مبارزه صنفی رنجبر و صنف دولتمند تا انقلاب اوکتابر در سنهٔ ۱۹۱۷ میلادی دوام نمود و این انقلاب دولتمندان را مغلوب و رنجبران را غالب کرد.

جنگ عمومی و انقلاب روسیه

دولتمندان روسیه میخواستند که برای ترقی تجارت و صناعت خود خاک مملکت را وسعت دهند یا از مملکت های دیگر را تصرف نمایند بخود تابع کنند ، با این نیت در سنهٔ ۱۳۳۳ هجری در جنگ عمومی داخل شده اند با فرانسیه و انگلیس اتفاق کردند ، بمقابل جرمنی و اتریا و تورکیه بجنگ آغاز نمودند . جنگ بدرازی کشید ، قوت و دولت مملکت در راه جنگ صرف کرده شد . تلفات عسکر روسیه روز بروز میافزود . حکومت روسیه پانزده میلیون رنجبر را در میدان جنگ بخدمت عسکری برده بود .

معلوم بود که برای صنف رنجبر از این جنگ فایده حاصل نخواهد شد ، در این جنگ غالب آیند یا مغلوب گردند بهر حال منفعت نصیب زمینداران بزرگ صاحبان کارخانه ها ، غاربیک ، تجارت خانه ها بانک خانه ها بود . این گروه در همه وقت تنگی و سختی احوال فقرای رنجبر را در نظر نمیگرفتند ، بدوام داشتن جنگ را طلب مینمودند .

تشکیلاتهای انقلابی در بین مردکار عسکر و دهقان کار کردند.
فهمانیدند که این همه خون ریزی ها برای منفعت دولتمندان است.
مردکار دهقان و عسکر بمقابل حکومت برخواستند و در ماه فیورال سنهٔ ۱۹۱۷ میلادی
یعنی در سنهٔ ۱۳۳۶ هجری پادشاه روسیه ایمپراطور نیکالای را از تخت براندختند،
دولتمندان دیدند که اگر در آن لحظه بمقابل مردم انقلابی بطور آشکار قیام
کنند، کار ادارهٔ مملکت از دست دولتمندان خواهد رفت، چنین تدبیر
را اختیار نمودند که خودشان را در ظاهر بمردم انقلابی از طرفداران انقلاب
و آزادی معرفی کردند، از تخت برانداختن پادشاه را تصویب
نمودند و با این راه ادارهٔ مملکت را بدست خود گرفتند و در باطن حرکت
میکردند که انقلاب را زودتر خاموش کنند. در نتیجهٔ این انقلاب
ادارهٔ مملکت باز بدست دولتمندان بماند، حکومت نو برای درستی
احوال مردکار دهقان و عموماً صنف رنجبر هیچ یک کاری نکرد.
جنگ را بردوام داشت، خرابی و پریشانی صنف رنجبر روز از روز میافزود.
از آن روزی که حکومت ایمپراطوری سقوط کرد و کار بدست
دولتمندان گذشت، فرقهٔ بالشویک و راهبر آن فرقهٔ لینن میگفت که:

« این کسانی که ادارهٔ مملکت را بدست خود گرفته اند ، همه از صنف دولتمندان اند ، از خرابی و پریشانی صنف رنجبر اینها هیچ غمی ندارند ، تا زمانیکه صنف رنجبر ادارهٔ مملکت را بدست خود نگیرد ، اصول ادارهٔ که موافق منفعت وخیریت صنف رنجبر باشد ، بوجود نخواهد آمد » .

هر ماه هر روز که میگذشت راستی سخن بالشویکها روشن تر میگردید ، اعتماد عامهٔ رنجبر درحق فرقهٔ بالشویک زیادتر میشد . درتحت تأثیر تنگی وسختی زندگانی هم تبلیغات وراهبری فرقهٔ بالشویک صنف رنجبر بمقابل حکومت دولتمندان راه انقلاب را پیش گرفت . مردکارهای کارخانه ، عَلَم انقلاب را برداشتند ، همهٔ دهقان رنجبر وعسکر با صنف مردکار همراهی کردند .

درآن روزها این شعارها سرمشق ودستور همهٔ رنجبران انقلابی بود « نیست باد حکومت دولتمندان » ، حکومت رابدست شورای مردکار دهقان وعسکر باید داد ، جنگ راتمام باید کرد ، زمینهای دولتمندان بدهقان های بی زمین داده شود ، فابریک ها ، بانک ها تجارت خانه های دولتمندان ملک عامهٔ ملت باشد » .

در این مبارزهٔ صنفی دولتمندان از مقابله و مبارزه کردن عاجز آمدند و در ۲۵ ماه اوکتابر در سنهٔ ۱۹۱۷ میلادی صنف رنجبر حکومت دولتمندان را بر انداخت، حاکمیت را بدست خود گرفت و حکومت شورای را تشکیل کرد.

از ساعتی که صنف رنجبر حاکمیت را بدست خود گرفت قدم بقدم مقصدهای صنفی خود را بموقع اجرا گذاشت، تمام کارهای خود را از نقطهٔ نظر صنف رنجبر تشکیل کرد.

حکومت شورای به همهٔ دولت های جنگ کننده تکلیف نمود که بااساس های برابری صلح کنند، متفق های سابق روسیه قبول نکردند، دولت شورا خود تنهائی صلح کرد. عهدنامه هائی که دربارهٔ تقسیم کردن تورکیه، ایران و افغانستان حکومت ایمپراطوری با متفقان حربی خود بسته بود، حکومت شورا همه را بیکار و از اعتبار ساقط اعلان نمود.

قرضهایی که برای صرف جنگ و استحکام دادن حاکمیت صنفی خود حکومت ایمپراطوری و حکومت دولتمندان از سرمایه داران خارجی گرفته بود. حکومت شورای اعلان نمود که آن قرض ها را حکومت صنف رنجبر نخواهد

پرداخت . حقوق و امتیازاتی که دولتمندان خارجی در روسیه داشتند حکومت رنجبران نیز قبول نخواهد کرد .

اینچنین طلباتی که حکومتهای سابق روسیه از ترکیه ، ایران و چین داشتند همه را بخشید . از همه امتیازاتیکه در آن مملکت ها حکومت امپراطوری داشت از همه گذشت ، عهدنامه های که حکومت امپراطوری با آن دولتها بسته بود و حقوق سیاسی اقتصادی آنها را زیر پا کرده بود ، همه را ساقط از اعتبار شمارید و در بستن عهدنامه های دیگر به اساس برابری اقدام کرد .

تضییقات و سختگیری هایی که بنا بر سبب تفاوت ملی و دینی در حق غیر روس ها در زمان گذشته مرعی بود همه را لغو کرد . رنجبران همه ملت و مذهب را در کار اداره مملکت حقوق برابری بخشید و امکان داد که هر ملت با رضا و خواهش خود طرز حکومت داری خود را تعیین نماید و اگر لازم داند مختار است که از جمهوریت شورای روسیه تمام جدا شود .

زمین های زمینداران و دولتمندرا گرفت . به دهقانهای بی زمین و کم زمین دار

بانک ها ، فابریکها و تجارت خانه ها را تصرف کرده ملک ملت اعلان نمود زمینداران بزرگ ، دولتمندان شهر و ده و علمای دین را ازحقوق اداره کردن مملکت محروم قرار داد . این سیاست ، این اقدامات حکومت شورای ، دولتمندان داخلی و خارجی را در اضطراب انداخت . سرمایه داران داخلی و خارجی دیدند که این جریان صنفی انقلاب میتواند که عالمگیر گردد و در تمام دنیا حاکمیت دولتمندان را زیر و زبر کند . و بنابراین بمقابل حکومت شورای همه راه مخالفت و مبارزه را اختیار نمودند . منصب دارهای حربی و ملکی حکومت امپراطوری زمینداران بزرگ ، صاحبان کارخانه و تجارتخانه ها ، علمای دین از روس و غیر روس همه بخلاف حکومت رنجبران برخواستند .

حکومتهای دولتمندان خارجی خصوصاً انگلیس و فرانسیه باتمام هستی خود بحکومت شورای . به مملکت رنجبران هجوم آوردند . به دسته های عکس انقلاب داخل روسیه مدد کردند .

ازطرف دیگر یک قیام عمومی صنفی رنجبران برپا شد ، مردکاران همه فابریکها ، دهقان های رنجبر از روس وغیر روس برای مدافعهٔ

حاکمیت صنفی خود در مبارزه خونین اقدام نمودند .

رنجبران نمی خواستند که برای فائدهٔ دولتمندان جنگ کنند ، از جنگ بیزار بودند ، اما در این جنگ صنفی که برای نگهداشتن حاکمیت صنفی خود قبول نموده بودند ، با کمال مردانه گی استاده گی کردند . در اثنای این مبارزه تنگی و خرابی مملکت گرسنه گی و سختی عامه رنجبر روز از روز افزونتر میگردید ، اما این همه تشکیلات عزم و متانت صنف رنجبر را نه شکست ، کم نکرد .

در سایهٔ موفقیت و کامیابی های رنجبران روسیه ، جریان انقلابی بین الملل قوت گرفت . رنجبرانی که در مملکت های ثروتمندان زندگانی میکردند از موفقیت های انقلابی رنجبران شورای باخبر شده جرئت یافتند . بمقابل حکومت های خود نیز راه انقلاب را پیش گرفتند . در نگه داشتن حکومت شورائی کوشش کردند .

عسکرانی که از طرف دولتهای سرمایه داران برای نیست کردن حاکمیت شورائی فرستاده شده بودند ، بمقابل حکومت شورای جنگ نکردند . حکومتهای دولتمندان مجبور گردیدند که از مملکت شورائی

دست کشند ، ترک جنگ کنند . سرمایه داران داخلی نیز از
مبارزه و مقابله عاجز آمدند ، حاکمیت شورائی استحکام یافت ،
حکومت شورای در راه ترقی و انکشاف اقتصادی و مدنی صنف
رنجبر اقدام نمود .

اثر انقلاب در تورکستان

درنتیجهٔ از تخت برانداختن پادشاه روسیه ، در تورکستان هم
حرکت انقلابی بوجود آمد ، گروه دولتمندان روس و مسلمان کار
ادارهٔ مملکت را بدست خود گرفتند .
دولتمندان تجدد خواه بخارا نیز خواستند که کار ادارهٔ مملکت را
به اختیار خود گیرند و نفوذ و تأثیر خود را بیافزایند ، آنها میخواستند
در امور مملکت بعضی اصلاحات اجرا شود اما امیر و اطرافیان کهنه
پرستاو این را قبول نکردند ، حصول این مطلب را امکان ندادند .
از انقلاب فیورال از سقوط حکومت امپراطوری صنف رنجبر
نیز استفاده کرد ، کارهای تشکیلات انقلابی رنجبران قوت یافت .

در بین رنجبران روس و محلی نزدیکی و یکجهتی زیاده شد .

در تورکستان هم صنف رنجبر بمقابل حکومت نو دولتمندان مبارزه میکرد و در این مبارزه فرقهٔ بالشویک راهبری مینمود .

در نتیجهٔ این انقلاب اوکتابر در تورکستان هم حکومت نو دولتمندان افتاد ، کار بدست صنف رنجبر گذشت ، در این جا هم صنف دولتمند بمقابل حاکمیت رنجبر راه مخالفت را پیش گرفتند .

زمینداران بزرگ دولتمندان شهر و ده منصب داران حکومت سابق علمای دین از روس و مسلمان یک اتحاد صنفی بوجود آوردند . باتشکیلات های عکس انقلابی داخل روسیه یکجهت گردیدند ، حکومت انگلیس هم بیاری این گروه رسید ، امیر بخارا هم با این ها همدست بود . این دسته ، این قوت عکس انقلابی که از طرف دولتمندان روس ، یهود ، ارمنی و مسلمان تشکیل یافته بود ، دعوی محافظت اسلام را کرده و با این راه مردم را فریفتهٔ خود میکرد .

بمقابل این گروه عکس انقلابی که دولتمندان همهٔ ملتها تشکیل کرده بودند ، صنف رنجبر مملکت نیز باهمدیگر اتحاد نمودند ، از رنجبران اوزبک

تاجیک ، تورکمان ، قرغیز ، قزاق ، روس یک قوت انقلابی بوجود آمد . همگی دست بدست یکدیگر داده حاکمیت صنفی خود را مدافعه کردند .

دائرهٔ مبارزه صنفی وسعت یافت ، رنجبران بخارا و خیوه نیز همراهی کردند ، حکومت امیر بخارا نیز افتاد ، امیر بافغانستان گریخت ، در خاک تورکستان جمهوریت های شورائی تورکستان ، بخارا و خیوه برپا شد . آنهائی که حاکمیت را از دست داده بودند ، تا توانستند مقاتله و مقابله کردند ، مبارزهٔ صنفی بدرجهٔ رسید که طرفداران حاکمیت دولتمندان باسمه چی ها ، زن و کودکان دهقانهای رنجبران را میکشتند قتل عام ها میکردند ، خرمن و خانه های رنجبران را میسوختند .

با این همه سختی ، صنف رنجبر تاب آورد ، مبارزه کرد غالب شد راه صنفی خود را اجرا کرد ، تمام مال و ملک دولتمندان بخزینه ملت تعلق یافت . زمینهای زمینداران بزرگ را بدهقان های کم زمین و بی زمین داده شد ، درآمد زمین های اوقاف را بکارندگان فقیر بخشیده شد تمام کارهای سیاسی ، اقتصادی و مدنی مملکت موافق منفعت صنف رنجبر تشکیل یافت ، بدست صنف رنجبر گذشت .

بعد از آنکه صنف رنجبر حاکمیت خود را مستحکم نمود، مسئلهٔ تشکیل کردن جمهوریت های ملی را پیش گرفت و در نتیجهٔ حل کردن این مسئلهٔ جمهوریت شورائی تاجیکستان بوجود آمد.

برپا شدن جمهوریت های ملی در آسیای میانه و بوجود آمدن جمهوریت تاجیکستان

وقتا که حکومت امپراطوری خان های تورکستان را مغلوب کرد قسم بزرگ خاک تورکستان را بی واسطه در تحت ادارهٔ خود گرفت. و قسمی را در زیر عنوان تابعیت امیر بخارا و خان خیوه گذاشت و بواسطهٔ آنها اداره کرد.

اما تقسیمات حدود را چنین تعیین نمود که اتحاد و نزدیکی ملت های اساسی آسیای میانه را امکانی نماند. بعد از انقلاب اوکتابر مردم آسیای میانه توانستند که امتیازها و جدائی های ملی را محو نمایند. جمهوریت های ملی برپا نمایند. در سال ۱۳۴۳ هجری بجای جمهوریت های تورکستان، بخارا و خیوه جمهوریت های ملی تشکیل نمودند، حدود های این جمهوریت ها

موافق منافع ملی خود تعیین نمودند .

در مستملکهٔ سابق امپراطوری ، جمهوریت های آزاد اوزبکستان تاجیکستان ، تورکمنستان ، قزاقستان و قرغیزستان بوجود آمد ملت هائی که در نتیجهٔ سیاست امپراطوری پریشان و پراکنده بودند ، در دائرهٔ جمهوریتهای ملی خود بهم پیوستند .

جمهوریت تاجیکستان که از جهت اقتصادی و مدنی خیلی پس مانده بود چون یک جمهوریت مختار در داخل جمهوریت اوزبکستان بماند ، و قریب پنج سال زندگانی این جمهوریت در جزء اوزبکستان گذشت .

در مدت این پنج سال در زندگانی اقتصادی و مدنی تاجیکستان چنان یک تبدلاتی بوجود آمد که اگر احوال تاجیکستان را در زمان امیر دانید و از حالت پنج سال قبل آن واقف باشید بی اختیار خواهید گفت که این ترقی تاجیکستان محیر العقول است .

دو سال اول زندگانی تاجیکستان در راه برپا کردن امنیت مملکت ، نیست کردن باسمه‌چی ها گذشت ، در آخر سال ۱۳۴۵ هجری خاک تاجیکستان از غارت باسمه‌چی ها پاک گردید . امنیت در مملکت مستقر شد

دانجمن یکم شوراهای رنجبران تاجیک اجتماع نمود ، راه های انکشاف اقتصادی و مدنی مملکت را معین نمود ، حکومت مرکزی خود را انتخاب کرد از آن روز حکومت تاجیکستان تمام قوت وسعی خود را در راه استحکام دادن حاکمیت صنفی ترقی و انکشاف اقتصادی و مدنی مملکت مصروف داشت . رنجبران تاجیکستان از همه کار بیشتر در تقویت و استحکام حاکمیت صنفی خود کوشش کردند .

عملدار و منصب دارانی که در زمان امیر زمام ادارهٔ مملکت را در دست خود داشتند ، زمینداران کلان و تجارها و علمائی که اصول حکومت داری دولتمندان را حمایت میکردند ، همه را از حقوق اداره کردن مملکت از حق انتخاب و منتخب گردیدن محروم کردند ، همه را از کارهای اداره راندند ، بیرون کردند .

حق اداره کردن مملکت را به صنف رنجبر منحصر ساختند از دهه گرفته تا مرکز جمهوریت ، همه مأمورها راهبرهای حکومت و دولت از طرف صنف رنجبر از بین صنف رنجبر انتخاب کرده میشوند .

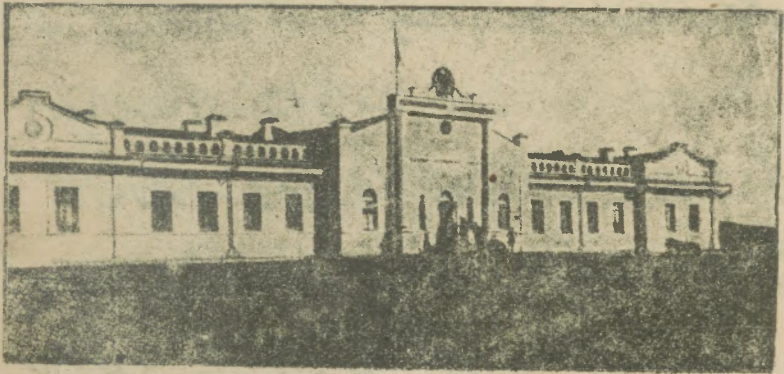
در نتیجهٔ این انتخابات که در هر دو سال یکبار تکرار میشود ،

تمام اداره و کار مملکت بدست انتخاب کرده گان صنف رنجبر گذشت

آنهائی که چند سال پیش ازاین مزدوری مرد کاری و دهقانی میکردند ، امروز باکمال مهارت و توانایی کار های مهم مملکت را اداره میکنند .

مثلاً - رئیس کمیتهٔ اجرائیهٔ ایشان که باصطلاح ما رئیس جمهور است ، رئیس شورای کمیسرها اشان که باصطلاح ما رئیس الوزرا است ، کمیسرهای عدلیه ، معارف ، داخلیه حربیه ، مالیه ، تندرستی ، زراعت اشان که باصطلاح ما وزیرهای این وزارت خانه ها اند ، همه از فرزندان رنجبر انتخاب کرده میشوند . رئیس جمهور رئیس الوزرا و دیگر وزیرها اشان در انجمن های شورای همه زد وکلای مرد کار و دهقان ها از کارهای حکومت و دولت حساب میدهند . اگر کار و خدمت اشانرا شایسته شمارند بکار اشان میمانند وگرنه بجای اشان از بین رنجبران دیگری را انتخاب میکنند .

خانهٔ حاکمیت صنف رنجبر



کمیتهٔ مرکزی اجرائیهٔ جمهوریت اجتماعی شورالی تاجیکستان

حکومت صنف رنجبر قانونها و تشکیلات عدلیه مملکت را نیز از نقطهٔ نظر منفعت صنف رنجبر درست کرد .

در زمان گذشته شاهد با اعتبار محکمه ، دولتمند شهر و ده بود امروز سخن و شهادت یک رنجبر یک مزدور از شهادت آن اشخاص با اعتبار سابق ، مقدم داشته میشود .

در زمان گذشته محکمه ، قاضی خانه را دولتمندان چون خانهٔ خود میشماریدند ، میدانستند که حاکم و قاضی از جنس آنها است ، قانون مملکت حقوق آنها را مدافعه میکنند .

امروز احوال چنین شده است که فقیر رعیت مزدور با دلیری تمام به محکمه شورای صنفی خود میرود ، قبل از مرافعه میداند که سخن حق او را خواهند شنید و حکم بجانب او خواهند کرد ، چونکه آنکس که میپرسد آنکس که حکم میکند نیز از رنجبران است ، قانون مملکت حقوق رنجبران را مدافعه میکنند .

دولتمندی که در زمان گذشته محکمه را حامی خود میشمارید ، در محکمهٔ عدلیه شورائی با ترس و لرزه میرود ، میداند که این محکمهٔ صنف وی نیست

قانونیکه چون دستور در اساس گرفته میشود، از نقطهٔ نظر منفعت صنف رنجبر نوشته شده است. بنا بر آن مدافعه را خواهد باخت صنف رنجبر در بارهٔ مدافعه و محافظت کردن وطن صنفی خود نیز اهمیت کلی داد از روز تأسیس جمهوریت تاجیکستان در راه تشکیل کردن عسکر صنفی خود اقدام نمود. امروز تاجیکستان دارای یک قوت مسلح صنفی مکمل گردیده است که همهٔ قسم های حربی پیاده، سواره توپچی، پولیموتچی و دسته های کیمیایی را دارا است، از رنجبران تاجیک راهبران حربی کوماندان های ماهر رسیده است، و بسیار جوانان تاجیک در مکاتب میانه و عالی حربی مشغول تحصیل اند. این قوت عسکری رنجبران تاجیک که جزء عسکر سرخ شوراء است، چون یک قوت مسلح بین الملل رنجبران شماریده میشود.

برای تأمین نمودن امنیت و انتظام داخلی جمهوریت، رنجبران تاجیک، میلیتسیهٔ منتظم صنفی نیز بوجود آوردند.

در عسکر و میلیتسیهٔ جمهوریت تاجیکستان فرزندان رنجبر را قبول میکنند، به مخالفان صنفی خود به فرزندان دولتمندان تیر و تفنگ را

نمیدهند آنها را در صف عسکر صنفی خود قبول نمیکنند ، رنجبران تاجیک
میدانند که بدون ترقی و انکشاف اقتصادی و مدنی بهبودی و درستی
زندگانی صنف رنجبر میسر نمیشود ؛ بنا برین با یک سلسلهٔ تدبیرهای
مهم در درستی این کارها اقدام نمودند ؛ محافظت کردن منفعت صنف
رنجبر را در کارهای خود اساس دانستند . خرابی مملکت ، وفقیری عامهٔ دهقان
را در نظر گرفته سه سال تمام خراج زراعت را به دهقانها بخشیدند .
بعد از آنکه احوال اقتصادی مملکت رو به بهبودی نهاد در اخذ نمودن خراج
دهقانی اقدام نمودند ؛ دربارهٔ خراج و مالیات مملکت چنین قوانینی
وضع کردند که ، باعث رفاهیت و درستی زندگانی دهقان فقیر و میانه
حال گردد . از روی قانون خراج دهقانهای مملکت را بچهار قسم تقسیم میکنند :
قسم اوّل ، دهقانهای که فقیراند حاصلی که از کشت خود میگیرند برای
تأمین زندگانی اهل و عیالشان کفایت نمیکند ، این قسم را از دادن خراج
دهقانی تمام آزاد میکنند .
قسم دوم دهقانهائی که احوال زندگانی اشان نظر به قسم اوّل
فی الجمله بهتر است . لکن تا آن اندازه که زندگانی اشان بخوبی گذرد ،

درامدندارند؛ ازمجموع درامد دهقانی، این قسم دهقانها ازصدی سه تا ازصدی شش وهفت میگیرند.

قسم سوم دهقانهائی که درامدکانی دارند، زندگانی ایشان بخوبی میگذرد، ازحاصل ودرآمد اینگونه دهقانها ازصدی شش تا ازصدی ده میگیرند.

قسم چارم دهقانهائی که درآمد بسیار دارند، درکشت وزرعت خود مردکارها چاریک کارها، پنج یک کارها دارند؛ تمامی گرانی خراج به این گروه دهقانان عائد است، ازدرامد وحاصل این قسم دهقانها ازصدی ده تا ازصدی بیست وپنج میگیرند.

درزمان سابق هرکس دولتمند وصاحب اعتبار بود، ازاو کمتر میگرفتند، دراین زمان سیاست خراج مملکت تمام برعکس آن است؛ همه سبکی ورعایت نصیب دهقان فقیر ومیان حال همه گرانی نصیب دارا ودولتمند است، همین اساسی که درباره‌ٔ خراج دهقانی عرض کردیم دردیگر مالیات وخراجهای جمهوریت نیز مرعی است.

جمهوریت تاجیکستان هم مثل دیگر مملکت های مشرق زمین مملکت

دهقانی است. در زمان گذشته در این جا از صناعت و کارخانه
نام ونشانی نبود؛ بنابرین ترقی وانکشاف اقتصادی تاجیکستان
از همه کار زیاده تر وابسته بترقی کردن کارهای زراعت است؛
رنجبران تاجیکستان در مسئله های ترقی کارهای دهقانی اهمیت بزرگ
میدهند. در این مدت پنج سال کار زراعت مملکت را خیلی ترقی دادند
و احوال عموم دهقان ها را خیلی بهتر کردند.

زمینهائی که در زمان گذشته ملک خصوصی امیر و ماموران‌اش بود
همه را بفقرای فقیر بدهقانان رنجبر تقسیم کردند و دادند؛ همچنین زمینهای
املاک و اوقاف را که در زمان گذشته قسم کلی حاصلش را ماموران
امیر و علمای دین میگرفتند. همه را بکارنده گان رنجبر گذاشتند،
من بعد بنام املاک و اوقاف از آنها کسی چیزی نمیگیرد.

خریدن وفروختن زمین را منع کردند، چونکه همه خریدار دولتمندان
وفروشنده فقیرانند، در هرجا که خرید وفروش زمین معمول است
زمینهای خوب آهسته آهسته بدست مردم دولتمند جمع میگردد.
همه زمینهای مملکت را ملک ملت قرار دادند، هرکس که کار میکند زمین را

باد و فرزندان او میدهند ، با این راه در زندگانی عموم دهقانان یک بنیاد مستحکم اقتصادی گذاشتند .

در تاجیکستان آب روان و زمین قابل کشت بسیار است ، اما بسیار جوی های که برای آب یاری لازم است در نتیجهٔ سیاست امیران ، باطل گردیده بی آب مانده است . حکومت تاجیکستان در بارهٔ جویهای نو برآوردن و در جویهای باطل و خشک شده آب جاری کردن با جدیت تمام کوشش نمود ؛ در مدت پنج سال قریب در یکصد و پنجاه هزار هیکتار زمین که بحساب مانند صد هزار جریب میشود آبیاری کرده ، جویهای نو برآورده در این مدت به ده هزار خانه وار دهقان بی زمین و کم زمین از طرف حکومت زمین دادند ، آنها را بزمین های نو آبیاری شده کوچانیدند ، بهریک باندازهٔ کافی مبلغی دادند که برای خود خانه درست کند ، گاو اسب و دیگر اسباب دهقانی بخرد .

از روی قرار حکومت تاجیکستان امسال باز به ده هزار خانوادهٔ دهقان بی زمین و کم زمین ، از زمین هائی که آبیاری شده است ، زمین میدهند و زندگانی آنها را درست میکنند .

دهقانهای تاجیکستان در کشت و زراعت اسبابهای قدیمی را
کار میفرمودند، اصول زراعت مملکت صدها سال پیش از این چگونه
باشد بهمان حال مانده بود، از کار فرمودن ماشینهای نو دهقانی
و استفاده نمودن تجربه های علمی تمام بیخبر و محروم بودند.

حکومت تاجیکستان در این باره نیز یک تبدلات عجیبی بوجود آورد،
در جلب نمودن عالم های علم زراعت تشکیل کردن موسسه های علمی
زراعتی اگرانومی و تعمیم نمودن ماشینهای نو دهقانی، با کمال جدیت
کوشش کرد، و مردم تاجیکستان را در کار فرمودن ماشینهای دهقانی
و استفاده نمودن از تجربه های علمی زراعتی آماده نمود! امروز هزارها
دهقانهای تاجیکستان با ماشین ها، تراکتورها زراعت میکنند، از تجربه
های علمی در کارهای دهقانی خود استفاده میکنند، کارهایی راکه در هفته ها
و ماه ها میکردند، با یاری ماشین و علم، در مدت یک روز دو روز میکنند

در زمان گذشته دهقانهای تاجیکستان از سودخورها قرض
ها میگرفتند، و تنزیل بسیار میدادند، آخر از بار گران قرض برآمدن
نتوانسته از زمین ها و خانه های خود جدا میگردیدند، همه را فروخته قرض

خود را ادا میکردند ؛ حکومت تاجیکستان احتیاج مردم دهقان را
در نظر گرفته یک بانک مخصوص برای بدهقانها قرض دادن تأسیس نمود ،

نمونه از عمارت های پای تخت جمهوریت رنجبران تاجیک



دهقان سرای : - بنائی است که از طرف حکومت رنجبران تاجیک برای تربیت دهقانان رنجبر ساخته شده است

و شعبه های این بانک را در همه جا در بین مردم دهقان تشکیل کرد ،
هیئت اداره‌ٔ این شعبه ها از طرف خود دهقانها انتخاب کرده میشوند که
باصطلاح محلی « شرکت های قرض دهقانی » میگویند .

این بانک بواسطهٔ شعبه های خود هر سال میلیون ها بمردم دهقان قرض میدهد ، احوال اقتصادی دهقان را درنظر گرفته مهلت ادای قرض را تعیین مینماید ، واینچنین تنزیل را موافق احوال دهقان سالانه از صدی دو تا صدی شش میگیرد که برای تأمین نمودن مخارج مؤسسهٔ بانک و شعبه های آن کفایت میکند .

در سالهائی که مبارزهٔ انقلاب شدت کرده بود ، بسیار علمداران ، دولتمندان ، طرفداران اصول حاکمیت ثروتمندان ، بافغانستان گریختند ، واز مردم سرحدنشین تاجیکستان باراه تشویق وتحدید بسیار کسان را باخود بردند . رنجبرانی که بخاک افغانستان رفته بودند ، بحکومت خود مراجعت نمودند که بازبوطن خود آمدن آنها را تأمین نماید .

حکومت تاجیکستان در این راه تدبیرهای جدی کرد ، قرار داد که رنجبرانی که از افغانستان بوطن خود بازمیآیند ، بآنها باندازه کفایه زمین داده شود برای درست کردن خانه وخریدن اسباب دهقانی بآنها مبلغ ضروری داده شود ودرتمام حقوق ادارهٔ مملکت آنها را برابر وکامل الحقوق شماریده شود . درنتیجهٔ یاری حکومت تاجیکستان

بسیار از رفته گان باز بوطن خود آمدند ، هنوز در افغانستان قسمی
مانده اند و همیشه کوشش میکنند که زودتر بوطن خود برسند . اما
برای پس آمدن آنها در آن جانب مانع ها بسیار است .

در بارهٔ ترقی و انکشاف کارهای دهقانی مملکت اقداماتی که
حکومت شورائی تاجیکستان بکار برد و پیش کشید ، نتیجه های نمایان
بخشید ، کشت مملکت در مدت پنج سال بیش از سه مرتبه افزود ؛
خصوصاً کشت پنبه و کار پله ابریشم بسیار ترقی کرد ، صادرات ،
چیزی که از تاجیکستان در دیگر جمهوریت های شورائی و ممالک خارجه
میبرند سال از سال میافزاید .

پنبه ، غله ، ابریشم ، محصول مال چارپا داری ، میوه قسم عمدهٔ
صادرات تاجیکستان را تشکیل مینماید . دهقانهای تاجیکستان
از فروش محصول سعی خود میلیون ها میگیرند . حاصلات تاجیکستان
هر قدر که افزاید همان قدر احوال عامهٔ دهقان بهتر ، در آمدش
بیشتر میشود . در این بابت تاجیکستان و عموماً جمهوریت های شورائی
یک خصوصیتی دارند که در مملکت های غیر شورائی دیده نمیشود .

چنانچه در مملکت های غیر شورائی هرگاه زندگانی اقتصادی مملکت ترقی کند، صناعت انکشاف یابد دولتمندان دولتمندتر فقیران فقیرتر میشوند تفاوت زندگانی بین دولتمندان و فقیران بسیار تر میشود، در جمهوریتهای شورایی هر قدر که احوال اقتصادی مملکت خوب تر شود بهمان اندازه احوال رعیت فقیر بهتر میشود. رنجبران کار تجارت مملکت را نیز به دیگر اساس تشکیل نمودند.

در زمان گذشته کار تجارت مملکت بدست تجارها، حناط ها، جلابها بود آنها کوشش میکردند که هر چیز که از مردم بخرند ارزانتر بگیرند و هر چیز که بمردم میفروشند قیمت تر بفروشند، در این معاملهٔ خرید و فروش مبلغ بسیار از جیب مردم بکیسهٔ تجارها و حناط ها میرفت.

حکومت شورایی تاجیکستان از طرف دولت تجارت خانه ها تشکیل نمود و در بین مردم بسیار شرکت ها بوجود آورد که باصطلاح آن جا «کاآپیراتیف» میگویند، و با این راه مردم را از پنجهٔ تجارها، حناط ها خلاصی بخشید.

امروز مردم تاجیکستان هر چیز که بفروشند به تجارت خانه های دولتی

و شرکت ها میفروشند ، خرید را نیز از آنها میکنند ، نرخ خرید و فروش مال ها را از روی اعتدال تعیین میکنند ، در این میان اگر فائده حاصل شود ، در جیب دولت و شرکت های رنجبران میماند .

تمام تجارت مهم مملکت بدست این تجارت خانه های دولتی و شرکت های رنجبران گذشته است . از این تدبیر حکومت تجارها ، خاطرها دلگیر و رنجبران خورسند اند .

در زمان گذشته تاجیکستان راه های منتظم نداشت . اسباب نقلیات بارکشی بردن و آوردن مال ها از شتر ، اسب و خر عبارت بود ، در بسیار جای های تاجیکستان از بدی راه رفتن عرابه ممکن نبود ، بدی راه ، گرانی کرا یکی از مانع های بزرگ ترقی اقتصادی و مدنی تاجیکستان بود .

از روز تشکیل یافتن جمهوریت تاجیکستان حکومت رنجبران تاجیک دربارهٔ درست کردن راه ها با کمال جدیت کوشش کرد و تمام مردم بحکومت خود همراهی کردند ؛ در نتیجهٔ مساعی پنج ساله رنجبران تاجیکستان و مدد دیگر جمهوریت های شورایی این مملکت راه و نقلیات خود را

خیلی اصلاح کرد ، وموفقیت های بزرگ را صاحب گردید ، راه آهن
در مرکز در پای تخت جمهوریت تاجیکستان رسید ، از آنجا راه آهن
را به سمت جنوبی میکشند ، ساختن راه دوام میکند . در بسیار جایهای
تاجیکستان خط راه آفتابیل کشیده شد ، آن خط ها با راه آهن
پیوست . در تاجیکستان نقلیات هوایی تأسیس یافت . با خط منتظم
هوائی بواسطهٔ آیرپلان ها هواپیماها تاجیکستان با تمام جهان علاقه مند
گردید ، در بین مرکز و ولایت های تاجیکستان نیز خط راه هوائی تأسیس
یافت ، کشتی رانی دریای آمو به خیلی ترقی یافت .

امروز راه آهن ، آیرپلان ها ، کشتی های بخاری دریا ، آفتابیل ها
وظیفهٔ نقلیات را در تاجیکستان ادا میکند ، این همه وسایط مدنی
در راه ترقی رنجبران تاجیک خدمت میکنند .

در تاجیکستان اسباب مخابره پوچته - تیلگراف ، رادیا نیز تأسیس
گردید ؛ وخیلی با زودی تعمیم یافت ، نه تنها شهرها بلکه دهه های بزرگ
تاجیکستان هم امروز دارای شعبه های پوچته و تیلگراف است ، در بسیار
جایهای تاجیکستان رادیا (بی سیم) کار میکند .

اولین راه آهنی که برای بهبودیٔ زندگانی صنف رنجبر در شرق ساخته شده است.



رسیدن راه آهن به پای تخت تاجیکستان و استقبال نمودن رنجبران تاجیک اولین ماشینی را که به پای تخت اشان رسیده است.

درست شدن راه ها آسانی نقلیات ارزانی کرایه بردن و آوردن مالها در زندگانی تاجیکستان اثر بزرگ کرد؛ امکان بخشید که رنجبران تاجیکستان در تأسیس نمودن صناعت مملکت خود اقدام نمایند؛ در این مدت کوتاه کارخانه های: پنبه تازه کینی، روغن کشی، صابون سازی استانسه های چراغ برق که ساخته شده است از بیست عدد بیشتر است. امسال در تأسیس فابریک بافنده گی بزرگ، کارخانهٔ ابریشم، و بنای استانسهٔ الیکتریک آبی که قوت شش هزار اسب را دارا خواهد شد، اقدام نمودند. صناعت تاجیکستان هم مثل کارهای زراعت اش با یک زودی حیرت افزا ترقی میکند. برای اداره کردن راه های آهن آیروپلان ها، فابریک ها از فرزندان رنجبران تاجیک، میخانیک ها تیخنیک ها، ماشینست ها، مهندس ها حاضر میشوند.

در راه ترقی مدنیت و معارف رنجبران، حکومت تاجیکستان همه وسیله ها را استفاده میکند، کوشش میکند که هرچه زود رنجبران را از تاریکی جهالت به روشنایی برارد. این کار را یکی از وظیفه های اساسی خود میشمارد.

معلوم است که در زمان حاکمیت دولتمندان بی علمی و نادانی مردم این مملکت بدرجهٔ انتها رسیده بود ، سه سال پیش ازاین در تاجیکستان تحریر نفوس سرشماری مردم را اجرانمودند ، باین مناسبت معلوم شد که در تمام دهه های تاجیکستان هفت هزار مرد و یکصد و هفتاد نفر زن باسواد بوده است ؛ درچنین حالت پیش بردن کارهای معارف تاچه اندازه مشکل است پرظاهراست .

حکومت رنجبران تاجیک بایک عزم متین در راه پیش بردن کارهای معارف قدم گذاشت ، هرچیزکه در دائرهٔ امکان بود همه را در راه معارف صنف رنجبر استفاده کرد ، با مخارج بسیار از خارج جمهوریت معلم ها طلبید و بایک زودی فوق العاده از مردم تاجیک معلم های بسیار رسانید ، قسم مهم مخارج بودجهٔ دولت را در راه معارف تخصیص کرد ، مخارج همه مکتب ها را ازطرف دولت تأمین نمود ، مصارف خوردنی و پوشیدنی طلبه گانرا از خزینهٔ دولت داد ، مساعی حکومت ثمرهٔ کلی بخشید ، شمارهٔ طلبه گانی که درمکاتب جمهوریت شورائی تاجیکستان مشغول تحصیلند ، امسال به چهل هزار رسید !



یکی از خانه های مدنیت صنف رنجبر

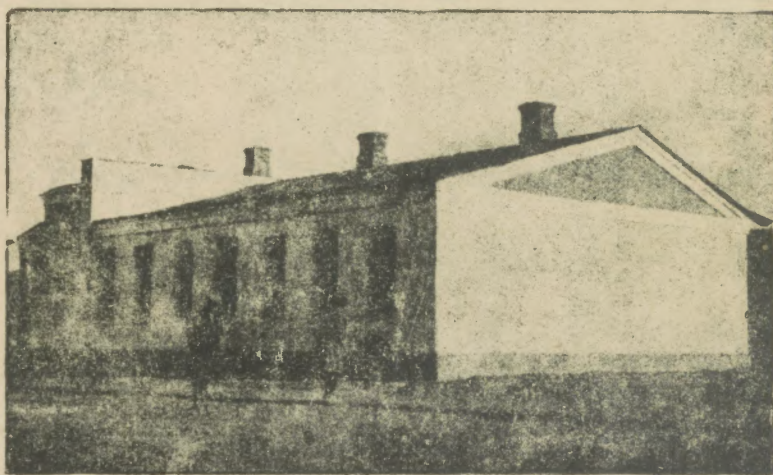
بنای دار العلوم رنجبران تاجیک ، درین بنا قریب یکهزار نفر فرزندان صنف رنجبر در تحصیل علم و فن مشغولند .

بیش از یک هزار طلبه تاجیکستان در خارج تاجیکستان در مکاتب میانه و عالی با مخارج دولت مشغول تحصیلند ، در مکاتب عالی زراعت ، طب ، مهندسی ، حقوق و غیره شمارهٔ طلبه گان تاجیک سال از سال میافزاید ؛ این همه طلبه گان که علم و هنر کسب مینمایند ، همه از فرزندان رنجبرانند ، مکاتب و معارف تاجیکستان برای تنویر صنف رنجبر خدمت میکند ، هر کس که صاحب علم و معرفت شد درین صف رنجبر برای صنف رنجبر کار میکند .

رنجبران تاجیک در تأسیس کارهای مطبوعات ، تألیف و ترجمه نیز اقدامات بزرگ کردند ؛ بنام «ادارهٔ نشریات دولتی تاجیک» مؤسسهٔ تأسیس نمودند ، از طرف این اداره مطبعه های مکمل بوجود آمد ؛ قابل ترین مؤلف و مترجم ها را از هر طرف طلبیدند ، در نتیجهٔ مساعی این مؤسسه کتاب های بسیار بزبان فارسی . تاجیکی تألیف ، ترجمه ، و نشر گردید . در هر یک از شعبه های علوم ، هندسه ، جبر ، طبیعیات ، طب ، جغرافیا ، تاریخ زبان و غیره کتابهای فارسی بوجود آمد ، سال از سال دائرهٔ تألیف ترجمه و نشریات فارسی تاجیکستان وسعت می یابد .

نزدیک است آن روزی که در راه پیش بردن مدنیت و معارف رنجبران پارسی گوی عالم، تاجیکستان رهبری کند؛ از مدنیت رنجبران تاجیک ما نیز مستفید و بهره در گردیم.

حکومت رنجبران تاجیک تعلیم و تربیهٔ فرزندان دهقانان رنجبر را از مهم ترین وظیفه های خود میشمارد.



نمونهٔ یکی از مکتب های که در دهه های دور دست تاجیکستان ساخته اند.

کار محافظهٔ تندرستی پیش از تشکیل جمهوریت تاجیکستان تمام متروک بود، حکومت امیر در این باره هیچ یک اقدامی نمیکرد، در نتیجهٔ کوشش

رنجبران تاجیک امروز همه شهرها و دهه های بزرگ تاجیکستان دارای شفاخانه ها و دواخانه ها است؛ آخرین تجربه های طبی و جراحی عصر حاضره در شفاخانه های تاجیکستان بعمل گذاشته شده است. معالجه و تداوی همهٔ بیماران رنجبر از طرف دولت رایگان کرده میشود. شمارهٔ بیماری های گذرنده، بیماری کودکان سال از سال کم میشود.

حکومت شورائی تاجیکستان در ضم حل نمودن مسئله های اقتصادی و مدنی در تسویهٔ مسائل ملی و اجتماعی نیز اهمیت بزرگ داد، مبارزه و مخاصمت بین ملت ها را با آشتی و برادری ملی مبدل ساخت.

هیچ یک مردم تاجیکستان غیر تاجیک اند، بملت های اوزبک، تورکمان، قرغیز وغیره منسوبند، رنجبران این همه ملتها در ادارهٔ مملکت برابر همراهی میکنند، در راه به داشتن احوال اقتصادی و مدنی جمهوریت با برادران تاجیک خود برابر کوشش میکنند. از همه موفقیت های مملکت برابر استفاده میکنند؛ جدائی دین و ملت به اتحاد صنفی باشندگان تاجیکستان هیچ تأثیر و تفاوتی نمیکند، حتی رنجبرانی که از مملکت های غیر شورائی به جمهوریت تاجیکستان آمده اند و میآیند، آنها را نیز شریک

دولت میشمارند ، آنها نیز در انتخاب حکومت تاجیکستان اشتراک میکنند ، از رنجبران ایران ، افغانستان و هندوستان بسیار کسان هستند که عضو حکومت تاجیکستان اند ؛ در اداره کردن جمهوریت با برادران تاجیک خود همراهی میکنند ، قسمی از آنها در کارهای زراعت و صناعت مشغولند ، قسمی در مکاتب شورایی تحصیل علم میکنند ، تاجیکستان را وطن صنفی خود میدانند ، با کمال آزادی و خوشنودی زندگانی میکنند .

در نتیجهٔ تدبیر و سیاست حکومت تاجیکستان در بین همهٔ ملت ها یک دوستی و برادری صمیمی قایم گردید .

در مسئلهٔ تربیت و حقوق زنان موفقیت های تاجیکستان نیز بسیار است . در زمان گذشته زنها را مثل مال میخریدند ، میفروختند ، زن از همهٔ حقوق انسانی محروم بود ، زن را تنها آلت عیش و عشرت میدانستند .

حکومت شورائی تاجیکستان بخلاف این عادت و این عقیده مبارزهٔ سخت کرد ، در تمام مسائل اقتصادی ، مدنی و سیاسی زن را یک عضو کامل الحقوق مملکت شناخت ؛ در انتخابات شورایی و ادارهٔ مملکت زن های رنجبران تاجیکستان با مردها برابر همراهی میکنند .

درهای مکاتب و مدارس تاجیکستان برای زنها تمام کشاده است
از زنهای رنجبر تاجیک معلمه ها، محرره ها و راهبران اداره مملکت رسیده است
در تاجیکستان قبل از رسیدن به سن معین نکاح کردن، بی رضای
دختر او را بشوهر دادن، در بالای یک زن زن دیگر گرفتن ممنوع است.
در جمهوریت تاجیکستان زن یک عضو آزاد و صاحب حقوق جمهوریت است.

شرح کامیابی های تاجیکستان را با این قدر اختصار میکنیم.

خوانندگان گرام آنهائی که احوال گذشته تاجیکستان را میدانند
خواهند گفت: معلوم است که تاجیکستان یک مملکتی بود پس مانده،
مردمش فقیر و ناتوان، در نتیجه غارت و تاراج باسمه چیها - طرفداران
اصول حاکمیت امیر باز خراب تر و مردمش فقیر تر گردید؛ دخل این مملکت
بخرجش البته کفایت نمیکند، این همه کامیابی های بزرگ که بدون
مخارج میلیون ها میسر نمیشود، برای تاجیکستان فقیر چگونه میسر گردید؟
این سؤال طبیعی است.

معلوم است که تاجیکستان جمهوریت اجتماعی شورائی ست، بواسطه
اوزبکستان در « اتفاق جمهوریتهای شورائی » داخل گردیده است. وجزء

اتفاق جمهوریت های شورایی میباشد. «اتفاق» جمهوریت های شورایی به جمهوریت تاجیکستان هرگونه معاونت مادی و معنوی را مبذول داشت، در مدت پنج سال گذشته از خزینهٔ مشترک «اتفاق» مبلغ پنجاه میلیون روبل بتاجیکستان معاونت نمود، معاونت «اتفاق» در بارهٔ تاجیکستان سال از سال میافزاید، چنانچه برای مصارف سال جاری سال ششم زندگانی جمهوریت تاجیکستان چهل میلیون روبل معاونت میکنند، غیر از این مصارف ساختن راه آهن و تامین مخارج عسکر نیز از خزینه مشترک «اتفاق» پرداخته میشود. در نظر خواننده باز یک مسئله پوشیده میماند، خواهد پرسید:

رنجبران تاجیک که از مدنیت دور بودند، پس مانده بودند، این همه مبارزه های صنفی را چگونه اداره نمودند، غالب آمدند و در جمهوریت خود چنین یک اصول ادارهٔ مدنی و صنفی را برپا نمودند، و این همه موفقیت ها را بدست آوردند؟

اگر خواننده دقت کرده باشد در صحیفه های گذشته ما نشان دادیم که در مورد انقلاب ادکتابر راهبر صنف رنجبر فرقهٔ بالشویک کامونیست بود

انقلاب اوکتابر بار اهبری این فرقه بوجود آمد و حاکمیت شورائی رنجبران بار اهبری بالشویک ها تشکیل یافت. سی سال است این فرقه در راه آزادی رنجبران و ملت های مظلوم کار میکند، در هر جا که صنف رنجبر بیدار و هوشیار میشود و در بین آنها گروه انقلابی پیدا میگردد، آن گروه انقلابی رنجبران فرقهٔ بالشویک کامونیستی را بوجود میآرند.

از رنجبران فعال و انقلابی جمهوریت تاجیکستان بسیار کسان هستند که در فرقهٔ بالشویک کامونیست داخل گردیده اند. تشکیلات این فرقهٔ عالم شمول در همه جای تاجیکستان موجود است. با راهبری این فرقه این تشکیلات، رنجبران تاجیک در راه انقلاب مبارزه کردند نصرت یافتند حاکمیت صنفی خود را برپا نمودند. امروز بدرجهٔ رسیده اند که جمهوریت تاجیکستان یکی از جمهوریت های مستقل «اتفاق» میشود، انجمن سوم شوراهای تاجیکستان قرار گذاشت که تاجیکستان از جزء جمهوریت اوزبکستان بیراید، بواسطه در «اتفاق» جمهوریتهای شورایی داخل گردد. بنا برین بعد از این موقع تاجیکستان بزرگتر و اهمیتش بیشتر خواهد شد تاجیکستان در سلسلهٔ جمهوریت های مستقل شورایی یک عامل بزرگ

مدنی و انقلابی خواهد گردید .

* * *

کامیابی هائی که تاجیکستان را میسر گردیده است ، جزئی است از کامیابی هائی که تمام ملت های مقیم جمهوریت های شورائی را نصیب گردیده است .

اوزبک ها ، تورکمان ها ، قرغز ها ، قزاق ها و دیگر ملت هائی که در خاک شورائی زندگانی میکنند ، هر یک جمهوریت مستقل و مختاری را مالک اند هر یک در راه اقتصاد مدنیت موفقیت های بزرگ بدست آورده اند .
هرگاه سرگذشت این ملت ها را ملاحظه کنیم و با سرگذشت مردم هندوستان ایران و افغانستان اندازه کنیم یک مشابهت و یکرنگی بسیار نزدیکی را مشاهده خواهیم کرد . چه شد که باشندگان جمهوریت های شورائی در راه آزادی و استقلال چنین کامیاب گردیدند ، مردم هند ، ایران و افغانستان از این کامیابی ها محروم اند ؟ آیا استعداد و قابلیت فطری مردم هند ، ایران و افغانستان ناقص است ؟

ما هیچ گاه چنین گمان نمیکنیم ؛ عقیدهٔ کامل داریم که اگر شرایط موافق فراهم آید ، باشندگان هندوستان ، ایران ، افغانستان هم با یک

زودی حیرت بخش ترقی خواهند کرد، اما تأثیر و نفوذ خارجی امکان نمیدهد که شرایطی که برای سعادت این مردم لازم است فراهم آید.

واضح تر گوئیم: آزادی و استقلال مردم مستملکه ها و نیم مستملکه ها باعث پریشانی دولت های سرمایه داران است؛ آزادی و استقلال مردم هندوستان ایران و افغانستان خرابی و پریشانی دولت سرمایه داران انگلیس را سبب خواهد شد؛ چونکه شوکت و حشمت دولت سرمایه داران انگلیس را مردم رنجبر و کارگر هند، مصر، ایران و افغانستان تأمین میکنند، هندوستان پس مانده و فقیر خزینهٔ بریطانیای عظمی را پر میکند، دهقان مصر و هند نیم گرسنه، نیم برهنه زندگانی میکنند، از رنج و سعی آنها دارائی دولتمندان بریطانیا میافزاید.

از این است که سرمایه داران انگلیس میگویند: مردم هند هنوز بدرجهٔ نرسیده اند که خود را خود اداره کنند؛ از این است که سرمایه داران انگلیس دشمن استقلال مردم مصر، ایران و افغانستان اند.

یکی از مثالهای نزدیک سرگذشت یکسالهٔ افغانستان

وطن من یکدورهٔ مهم تاریخی زندگانی خود را میگذراند:

